



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در مرتد بود و گفتیم که مرتد به سه قسم؛ فطری و ملی و مرثه ای که مرتد شده تقسیم می شود.

بر اساس روایاتی که خواندیم گفتند مرتد فطری باید کشته شود و ارثش تقسیم شود و زنش نیز از او جدا می شود و عده وفات نگه می دارد یعنی در واقع شارع حکم میت را بر مرتد فطری مترتب کرده و علت شدت برخورد شارع مقدس با مرتد این است که در جامعه تاثیر می گذارد چونکه با قصد ایجاد فاجعه در میان مردم مرتد شده.

مرتد ملی با مرتد فطری فرق دارد، مرتد ملی را به محض ارتداد نمی کشند بلکه تا سه روز از او طلب توبه می شود و اگر توبه نکرد کشته می شود زیرا این افراد اگر آزاد گذاشته شوند فتنه و فساد ایجاد می کنند.

اگر مرتد زن باشد کشته نمی شود ولیکن سختگیری هائی در مورد او انجام می شود تا توبه کند مثلاً در غذا و لباسش محدودیت ایجاد می شود و بعضی ها نیز گفته اند "تضرب اوقات الصلوات" ولی مقدس اردبیلی فرموده به این سختی نیست بلکه نصیحت و تأدیب می شود.

تا این مقدار در مورد مرتد کافی است بقیه در کتاب حدود مبسوطاً مطرح شده است.

خب و اما در بحث ارث عرض کردیم کافر هیچوقت از مسلمان ارث نمی برد حالا بحث در این است که شخصی فوت کرده و وراثت او همه کافر هستند منتهی

یک نفر از آنها قبل از تقسیم ترکه اسلام آورده که در این صورت میراث برای او خواهد بود.

امام رضوان الله علیه در تحریرالوسیله در این رابطه اینطور فرمودند: «مسألة ۳: لو مات مسلم أو كافر وكان وارث كافر ووارث مسلم غیر الإمام علیه السلام وأسلم وارثه الكافر بعد موته فإن كان وارثه المسلم واحدا اختص بالإرث ولم ينفع من أسلم إسلامه، نعم لو كان الواحد زوجة ينفع إسلام من أسلم قبل قسمة التركة بينها وبين الإمام علیه السلام أو نائبه، ولو كان وارثه المسلم متعددا فإن كان إسلام من أسلم بعد قسمة الإرث لم ينفع إسلامه، وأما لو كان قبلها فيشاركهم فيه إن ساوهم في المرتبة، واختص به وحجبهم إن تقدم عليهم كما إذا كان ابنا للميت وهم إخوة.»<sup>۱</sup>

باید اخبار مربوط به این مسئله (اسلام آوردن قبل از تقسیم ترکه) را بخوانیم تا مطلب روشن شود، اخبار مذکور در باب سوم از ابواب موانع ارث ذکر شده اند که عنوان باب این است: "أن الكافر إذا أسلم علی میراث قبل قسمته شارك فيه إن كان مساويا واختص به إن كان أولى، وإن أسلم بعد القسمة لم يرث، فإن كان الوارث الامام فأسلم الكافر ورث، وحکم اتحاد الوارث وأن المسلم إذا لم يكن له وارث إلا الكفار فميراثه للإمام علیه السلام".

خبر اول: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا، عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ يَعْنِي الْمُرَادِيَّ قَالَ: سَأَلْتُ

<sup>۱</sup> تحریرالوسیله، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۳۶۴، کتاب الإرث، مسئله ۳.

انگشتر خوب است خب این را اگر بخواهند بشکنند بی ارزش می شود لذا باید قیمت کنند و یک نفر بردارد و پول بقیه را به مقدار سهمشان بدهد. ما باید ببینیم آیا روایات مذکور شامل جائی که وارث فقط یک نفر باشد یا شامل چیزی که قابل قسمت نیست می شود یا اینکه از این موارد انصراف دارد که بعدا بحث خواهیم کرد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطاهِرین

أبا عبد الله عليه السلام عن رجل مسلم مات وله أم نصرانية وله زوجة وولد مسلمون فقال: إن أسلمت أمه قبل أن يقسم ميراثه أعطيت السدس قلت: فإن لم يكن له امرأة ولا ولد ولا وارث له سهم في الكتاب مسلمين وله قرابة نصارى ممن له سهم في الكتاب لو كانوا مسلمين لمن يكون ميراثه؟ قال: إن أسلمت أمه فان ميراثه لها، وإن لم تسلم أمه وأسلم بعض قرابته ممن له سهم في الكتاب فان ميراثه له، فإن لم يسلم أحد من قرابته فان ميراثه للامام.

ورواه الصدوق والشيخ باسنادهما عن الحسن ابن محبوب مثله.<sup>۲</sup>

کلینی خبر را به سه سند نقل می کند و بعد آنها را به هم پیوند می دهد.

خبر دوم: «وعن علي بن، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عبد الله بن مسكان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من أسلم على ميراث قبل أن يقسم فله ميراثه، وإن أسلم وقد قسم فلا ميراث له.»<sup>۳</sup>

همان طور که در روایات ذکر شده در واقع شارع مقدس یک ارفاقی داده و فرموده اگر قبل از تقسیم ترکه اسلام بیاورد ارث می برد.

چند بحث در اینجا وجود دارد:

اول اینکه قسمت ترکه در جائی است که ورثه متعدد باشند حالا اگر فقط یک نفر باشد آیا باز ارث می برد یا نه؟

دوم اینکه بعضی چیزها اصلا قابل قسمت نیست مثلا فرض کنید یک گوهری باقی مانده که برای نگین

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۸۰، ابواب موانع ارث،

باب ۳، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

<sup>۳</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۸۲، ابواب موانع ارث، باب

۳، حدیث ۲، ط الإسلامیة.